



# ویژگیهای حقوق کیفری در اسلام

ولا تاخذکم بهما ذافعی دین الله

□ عزیز طوسی

□ قاضی دادگاه نظامی

به وجود آمده است.

## منابع حقوق اسلامی:

وقتی مذاهب منشعب شدند، بین پیروان مذاهب مختلف، اتفاق نظری نماند مگر در لفظ "لا اله الا الله" و "محمد رسول الله". اگرچه مسلمانان پیرو هر مذهبی که باشند، قبول دارند که در زمان پیغمبر اسلام ﷺ مینا و منبع حقوق اسلامی، همواره قرآن و سنت بوده است. سنت هم در حقیقت اعمال و رفتار و گفتار تفسیری حضرت ختمی مرتبت ﷺ است. بعد از دوره حیات نبی اکرم ﷺ، برای استنباط احکام، روش اجتهاد به وجود آمد و اجماع و عقل در طریق استنباط، اعتبار پیدا کرد و به منابع اصلی یعنی قرآن و سنت، اضافه شد. به عبارت دیگر، قرآن، سنت، اجماع و عقل به عنوان منابع حقوق اسلامی شناخته شدند.

از نظر فقهای شیعه، منابع اصلی حقوق اسلامی، همان چهار موردی است که ذکر شد. علاوه بر این منابع، فقه شیعه "عرف" را نیز قبول دارد و برحسب مورد به آن اشاره می کند یا در صورت لزوم، حل مسأله را به آن ارجاع می دهد. اجتهاد هم از نظر علمای شیعه، طریق استنباط است و منبع مستقل فقهی محسوب نمی شود. در حالیکه فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت به جای عقل، قیاس را منبع حقوق و فقه اسلامی می دانند.

صریح آیات قرآن و یا امر و نهی رسول گرامی اسلام ﷺ در هم شکسته شد و آنچه خلاف شریعت اسلام نبود، تنفیذ گردید. بنابراین، حقوق اسلام در دوره رسالت به صورت کامل تکوین یافته و بعد از این دوره هر تلاشی صورت گرفته باشد، برای توضیح و تشریح صحیح کلام وحی بوده است. مشهور است که بعد از رحلت رسول اکرم ﷺ، تعداد ده نفر از اصحاب وی که خود را مکلف به حفظ شریعت آسمانی می دانستند، به تفسیر قرآن پرداختند که عبارتند از: گروه اول؛ خلفای راشدین اربعه یعنی ابوبکر و عمر و عثمان و علی رضی الله عنه و گروه دوم؛ عبدال... بن مسعود، ابن عباس، ابی بن کعب، زید بن ثابت، ابو موسی اشعری و عبدال... بن زبیر.

از میان خلفای راشدین، درخشندگی امیرالمومنین، علی رضی الله عنه در زمینه تفسیر روایت در اوج منزلت، و روایت تفسیری از سه خلیفه دیگر، نادر است. در میان گروه دوم، ابن مسعود بیش از همه شهرت دارد. اما بیشتر تفسیرهایی هم که از وی روایت شده، همانهایی است که از علی رضی الله عنه روایت شده است.<sup>(۱)</sup> حقوق اسلامی سرچشمه الهی دارد، در حالی که سایر سیستمهای حقوقی تحت تأثیر افکار مردم و فقر و ثروت و نوع حکومت و سایر عوامل فرهنگی، جغرافیایی و زمان و مکان

شکوه و عظمت حقوق اسلامی، ناشی از مبانی دین مبین اسلام است. تجلی و تبلور دین اسلام، هم ذیل سایه قرآن کریم است که آن نیز تنزیلی است از خداوند مهربان؛ کتابی سراسر آکنده از نور یقین، هادی پرهیزگاران و ناطق به اوامر و نواهی رب العالمین؛ میزان حکمت است و هم دلیل معرفت. هم مرشد عقل سلیم است و هم روشنگر صراط مستقیم.

کلام قرآن، گاهی توأم با واضحترین عبارتها و گاهی نیز همراه با ظریفترین اشارتهاست، معانی دقیق و لآلی منتظم در لابلای لافافه کلام پیچیده شده است و ارباب معرفت، هر یک به قدر فهم و درایت خویش، از حقایق آن بهره مند می شوند. سخن ما درباره حقوق اسلام است و این اشارت بدین جهت بود که حقوق اسلامی درخشندگی و تابندگی خود را از قرآن کسب می نماید.

## سیر تکوینی حقوق اسلام:

اوامر و نواهی شریعت منور اسلام، طی دوران رسالت پیغمبر اکرم ﷺ، بانص صریح آیات الهی و رفتار و گفتار و کردار رسول اکرم ﷺ، بر مبنای کتاب منزل و روح آن تکوین یافته است. هنگام بعثت حضرت محمد صلی الله علیه و آله، قواعد رفتار و کردار اجتماعی و اخلاقی ویژه ای بر روابط مردم عرب حاکم بود که بعضی از آنها بانص

و اجتهاد و عرف را نیز به آن اضافه می‌کنند. یک حقوق‌دان اسلامی<sup>(۲)</sup> که از اهل تسنن می‌باشد، منابع حقوق اسلامی را در سه گروه، طبقه‌بندی کرده است:

۱- منابع اصلی حقوق اسلامی؛ قرآن، سنت، اجماع، قیاس و اجتهاد.

۲- منابع تکمیلی حقوق اسلامی؛ استحسان<sup>(۳)</sup>، استصلاح<sup>(۴)</sup> و عرف<sup>(۵)</sup>

۳- منابع درجه دو حقوق اسلامی طبق نظریه اکثریت فقهای اهل سنت: عملکرد چهار خلیفه اول، عملکرد سایر حکام اسلامی که از طرف فقها رد نشده باشند، نظریات حقوق‌دانان مشهور اسلامی از جمله علمای دینی که در نهایت به صورت اجماع یا قیاس در آمده است، نظریه قضائی قضات مسلمان، عهدنامه‌ها و پیمانها و کنوانسیونهایی که خلاف شریعت اسلامی نیستند، قراردادهایی که با شریعت معارض نیستند.

قرآن، اولین منبع حقوق اسلامی است و احکام و موازین آن در فاصله چندین سال پس از دریافت از عالم وحی به مردم ابلاغ شده است؛ و با نزول قرآن حقوق اسلامی نیز به وجود آمده است. آیات قرآن تغییرناپذیر و غیر قابل جایگزینی است و در انحصار گروه خاصی هم نیست بلکه از لحاظ زمان برای همیشه و از نظر مکان برای همه دنیا و همه مردمان است؛ چه آنان که قبل از ما در زمان حکومت دین اسلام می‌زیسته‌اند؛ چه آنان که اکنون زندگی می‌کنند و چه آنان که بعدها خواهند زیست....

منابع حقوقی در سایر سیستمهای حقوقی عبارتند از: قوانین موضوعه، دکترین عدل و انصاف، عرف و عادت،

رویه قضائی.

انشعاب مکتبهای مختلف فقهی و حقوقی:

بعد از رحلت رسول اکرم ﷺ در دوره خلفای راشدین، بعد از قرآن مهمترین منبع تشریح، حدیث و سنت پیغمبر ﷺ بود. حضرت علی علیه السلام - چنانکه گفته شد - عالی‌ترین مرجع تفسیر قرآن، روایت و سنت بوده است. بعد از جنگ نهروان حکومت به دست خاندان امیه افتاد و فقه اسلامی در این دوره ظاهراً شکوفایی خود را از دست داد. ولی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به حفظ و حراست آن

اصل قانونی بودن حرم و محازات قتل از هر سیستمی در سیستم کتبی اسلام با قاعده و حرمت عتاب بالاینان، جلوه گر نبوده است. اصل فردی کردن محازات در حقوق کتبی، همیشه مورد عمل بوده است.

پرداختند و با وجود فشارهای دستگاه بنی‌امیه، توانستند شریعت اسلام را نجات بخشند. در زمان امام محمد باقر علیه السلام، فقه اسلامی رونق گرفت و در زمان امام جعفر صادق علیه السلام، به اوج شکوفایی رسید. راویان فراوان و محدثان مبرزی از محضر آن حضرت استفاده می‌کردند. از عصر امام جعفر صادق علیه السلام به بعد، چندین مکتب فقهی دیگر بوجود آمد که مذاهب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی از آن جمله بودند. در نیمه دوم قرن هفتم هجری قمری، حاکم مصر رسماً اعلام کرد که جز مکتبهای چهارگانه اهل سنت هیچ مذهب دیگری رسمیت ندارد. و از این تاریخ به بعد تقلید

اهل تسنن از چهار مکتب مذکور آغاز شد و درهای اجتهاد بسته شد. لیکن مکتب شیعه همچنان به تفقه و تحقیق و اجتهاد ادامه داد و در نهایت، این کوششها برای بزرگان مذهب جعفری گران تمام شد. در برهه‌هایی از تاریخ، فقهای شیعه مورد آزار و اذیت قرار گرفتند. تا آنجا که در سال ۷۸۶ ه.ق، مؤلف کتاب «لمعة الدمشقیه»، (شهید اول) را محبوس و سپس او را با شمشیر به قتل رسانیدند و جسدش را سوزاندند و برباد دادند. و در سال ۹۶۵ ه.ق نیز مؤلف کتاب «الروضة البهیة فی شرح اللعنة الدمشقیة» (یعنی شهید ثانی) را هم محبوس کرده، به قتل رسانیدند و کسی جرأت نکرد بر جنازه او نیز حاضر شود. علت انشعاب مذاهب و بسته شدن

باب اجتهاد:

بعد از دوره صحابه، تعداد زیادی از تابعین در فقه به شهرت رسیدند که هفت تن از آنان به «فقهای سبعة» شهرت یافته‌اند. این فقها که مصدر فتوا بودند، در مدینه و همزمان با هم زندگی می‌کردند. بین قرنهای دوم و سوم هجری، دائرة تفقه وسیعتر شد و فقهای مشهوری ظهور کردند، مانند: اصحاب مذاهب اربعه و سفیان ثوری، اوزاعی، داود ظاهری و عده‌ای دیگر. اما مهمتر از همه آنان و نیز همزمان آنان ائمه اهل بیت علیهم السلام که از دیدگاه شیعیان، ائمه منصوب از جانب خدا و صاحب علم لدنی هستند به تبیین قرآن و سنت می‌پرداختند. گفته می‌شود ابوحنیفه و سفیان ثوری از شاگردان امام جعفر صادق علیه السلام بوده‌اند. ابوحنیفه می‌گوید: «از امام جعفر صادق علیه السلام فقیه‌تر کسی را ندیدم». مالک می‌گوید: «فاضل‌تر از

امام جعفر صادق علیه السلام چشمی ندیده و گوشی نشنیده است» و امام شافعی می‌گوید: «علی بن حسین علیهما السلام را فقیه‌ترین اهل مدینه یافتیم». گویند هنگامی که منصور عازم حج بود، به مالک گفت: «تصمیم گرفتم دستور بدهم کتابهایی را که تو تصنیف کردی، نسخه برداری کنند و به هر شهری از شهرهای مسلمین نسخه‌ای بفرستم و فرمان دهم که به آن عمل کنند و از آن تجاوز نکنند»، مالک پیشنهاد منصور را نپذیرفت. هر کدام از این فقها به اهل بیت احترام می‌گذاشتند و چون فقیه و صاحب نظر بودند و نظرشان بر مبنای استنباط بود، مورد احترام همدیگر بودند. ولی به مرور زمان اختلاف نظر زیاد شد و از طرف دیگر، خلفای عباسی می‌خواستند قلمرو حکومت خود را تحت لوای یک قانون واحد، در آورند و در نواحی دور و نزدیک، مردم از یک قانون اطاعت نمایند و به آن عمل کنند. از طرف دیگر، پیروان هر مذهبی راهی را رفتند که با راه دیگری فرق داشت و هر فرقه‌ای مذهب خود را شایسته‌تر و برتر تصور می‌کردند و انتظار داشتند که همه از آن پیروی کنند. علت دیگر آن، موضعگیری خلفای عباسی نسبت به آل علی علیهما السلام و ترس آنان از این امکان که علمای آل علی علیهما السلام، مردم را از فقه آنان برگردانند، بوده است. شیخ محمد عبده می‌گوید: «خلیفه‌ای در سیاست خطا کرد و وسعت قلمرو اسلام را وسیله‌ای برای مقصدی که تصور می‌کرد مایه خیر اوست، قرار داد. تصور می‌کرد که سپاه عرب ممکن است طرفدار خلیفه علوی شوند زیرا علویان به خانواده پیغمبر نزدیکتر بودند، بدین جهت در صدد برآمد

سپاهی بیگانه مرکب از ترک و دیلم و اقوام دیگر تشکیل دهد. خلیفه عباسی می‌خواست موقعیت خود و اخلاف خود را استوار سازد، لذا با ملت و دین خود بدکرد.

ابن خلدون گفته است که: «تقلید در

حقوق اسلامی سرچشمه الهی دارد، در حالی که سایر سیستمهای حقوقی تحت تاثیر افکار مردم و فقر و ثروت و نوع حکومت و سایر عوامل فرهنگی، جغرافیایی و زمان و مکان به وجود آمده است

تمام کشورهای اسلامی در مذاهب اربعه منحصر، و پیروان سایر مذاهب محو و نابود شدند و مردم چون تشعب اصطلاحات را در علوم دیدند و عوایقی پیش آمد که مانع وصول به رتبه اجتهاد

قرآن، اولین منبع حقوق اسلامی است و احکام و موازین آن در فاصله چندین سال پس از دریافت از عالم وحی به مردم ابلاغ شده است. و بنا بر قول قرآن حقوق اسلامی نیز به وجود آمده است

گردید و بیم آن می‌رفت اشخاصی که از لحاظ علم و دیانت شایستگی این مقام شامخ را نداشته باشند به اجتهاد منسوب شوند، ابواب اجتهاد را مسدود و به عجز و قصور خود و نایابی مجتهد جامع شرایط اعتراف نمودند و مردم را به تقلید یکی از ائمه اربعه وادار کردند.

این مسائل و مشکلات بود که موجب

شد در عصر خلفای عباسی، مذاهب چهارگانه رسمی اعلام شده و پیروی از مذاهب دیگر ممنوع شود. لذا برای اطمینان خاطر و به بهانه کافی بودن معلومات و مکتسبات موجود، باب اجتهاد را مسدود نمودند تا کسی نتواند به فتوای علمای اهل بیت عمل کند. یا اینکه در اثر اجتهاد در مذاهب چهارگانه، تغییر و تحولی ایجاد شود و به حکومت آنان ضرر رساند. این عوامل باعث شد که بعضی از مذاهب مانند مذهب ثوری و ظاهری و غیره از بین بروند. در این گیرودار، مذهب تشیع مضمحل نشد بلکه در حالت گوشه‌گیری به حیات و تکامل خود ادامه داد، چون سرچشمه آن ائمه اهل بیت علیهم السلام بودند؛ لذا باب اجتهاد در آن هرگز بسته نشد.

فتح مجدد باب اجتهاد در فقه اهل سنت و ایجاد دارالقریب:

وضعیت فقه مذاهب چهارگانه به همین منوال بود که گفته شد، تا اینکه بعضی از فقهای اهل تسنن حقوق اسلامی در دانشگاه الازهر، بار دیگر باب اجتهاد را گشودند و خود را از قید و بند مذهب خاص آزاد ساختند و پرده‌هایی را که در اثر تعصبات و سیاستهای استعمارگرانه بر روی حقایق فقه شیعیه کشیده شده بود، کنار زدند. شیخ محمد عبده و شیخ مراغی و شیخ محمود شلتوت و شمار دیگر از علمای سنت در این راه پیشقدم بودند تا آنجا که شیخ محمود شلتوت در مسواری به فقه شیعیه فتوا داد و در دانشگاه الازهر کرسی فقه مقارن برقرار شد، لذا طلاب این دانشگاه اسلامی، افتخار بیکران فقه شیعیه را در برابر چشمان خود می‌دیدند. شیخ شلتوت فتوا داد که عمل به

مذهب جعفری صحیح است و هر کس می‌تواند اعمال مذهبی خود را بر طبق فقه شیعه انجام دهد. دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیه، فقه جعفری را علاوه بر شناسایی به رسمیت شناختند و می‌توان گفت که عملاً آن را در رأس مذاهب چهارگانه قرار داد؛ به عبارت دیگر، فقه مذاهب چهارگانه با فتح باب اجتهاد به آغوش فقه مادر برگشت.

پیشرفت و توسعه فقه و حقوق اسلامی: اختلاف بین مکتبه‌های مختلف فقهی، نه تنها نقصی برای سیستم حقوق اسلامی به حساب نمی‌آید بلکه نشان از غنای علمی و وسعت قلمرو آن است. مستند اصل فقه مذاهب چهارگانه، قرآن و سنت پیغمبر ﷺ است که فقه شیعه هم قرآن و سنت را اصل قرار داده است و استناد به اصول و منابع دیگر در همه مذاهب، برای استنباط حکم از قرآن و سنت است. بنابراین، اختلاف بنیادی و اساسی ناچیز است و بیشتر تفاوت‌های موجود، مربوط به تفسیر و نحوه اجرای قواعد و احکام است. مرکز آموزش فقه و حقوق و علوم انسانی دانشگاه الازهر در قاهره بیش از هزار سال قدمت دارد. حوزه نجف در عراق و حوزه قم در ایران، دو مرکز خیلی مهم آموزش فقه اسلامی هستند. حوزه‌های علمیه مشهد، تبریز، اصفهان و تهران نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در دانشگاه الازهر تا زمان بنیانگذاری کرسی فقه مقارن و ایجاد دارالتقرب، فقط فقه مذاهب چهارگانه تدریس می‌شد ولی در حوزه‌های نجف و قم همواره فقه اسلامی به طور کلی و گسترده تدریس می‌شده است نه به صورت شاخه‌ای و

گرایشی. شیخ مفید و شیخ طوسی در فقه اهل سنت، تسلطی بی‌نظیر داشتند و شهید ثانی نیز به تدریس فقه اهل سنت می‌پرداخت. کشورهای اسلامی در جوار مکتب فقهی خود حقوق موضوعه نیز دارند و سیستم حقوق موضوعه آنان شبیه مکتب فقهی و حقوق اسلامی است؛ به عبارت دیگر، حقوق موضوعه کشورهای اسلامی تحت تاثیر مکتب فقهی آنان است. شاید همین امر موجب شده است که بعضی از حقوقدانان بگویند که قضاوت اسلامی مانند حقوق رم، حاصل کار حقوقدانان کلاسیک است که دانش و اطلاعات حقوقی خود را در تفسیر و اجرای قواعد و مقررات به کار برده و دخالت داده‌اند. علم اصول فقه، یک روش نوین و مستینی بر قواعد و اصول الهی برای تفسیر و توضیح قانون و توسعه فن حقوق تفسیری و عملی. علم فقه دارای موازین محکم منطقی و استدلالی است، به همین جهت کلمه «اصول» قبل از کلمه «فقه» می‌آید. قواعد فقه نیز مثل اصول فقه از موازین حقوق اسلامی محسوب می‌شود. سیستم حقوقی و قضائی اسلام در سایه اجتهاد به تکامل و شکوفایی بی‌نظیری دست یافته و این تبلور در دوران رکود فقه مذاهب اربعه، در محدوده فقه جعفری بوده است. در عصر حاضر، حقوق اسلامی بار دیگر وارد مرحله جدید حیات خود شده است. حقوق اسلامی رونق بازیافته خود را مدیون فقهای شیعه است که هرگز دست از اجتهاد برنداشتند.

روش یادگیری و فهم حقوق اسلامی: متأسفانه فهم حقوق اسلامی در جهان اسلام به قدر کافی توسعه نیافته و چنانکه

باید و شاید به دنیا شناسانده نشده است. حقوق اسلامی از بدو ظهور اسلام تا زمان حاضر در مدتی متجاوز از چهارده قرن، تحول و تکامل یافته است. در این مسیر تحول و تکامل، مکتبه‌های مختلفی به وجود آمده‌اند و هر کدام در عمل و معنی، مفهومی خاص به شریعت اسلام بخشیده‌اند. در متن بعضی از مکاتب، مکتبه‌های فرعی و انشعابی متعددی شکل گرفته‌اند که در عمل و همچنین، در برداشت مفهومی، تفسیرهای متفاوت از شریعت اسلام داشته‌اند.

حقوق اسلامی، تحت تاثیر فرهنگها و سیستمهای اجتماعی گوناگونی قرار گرفته، چون دین اسلام بیشتر نقاط دنیا را فراگرفته. حقوق اسلامی، تمدن و فرهنگ جوامع مختلف و نژادهای گوناگون را اخذ کرده و رنگ اسلامی بدانها داده و آنها را دگرگون ساخته است، بدون آنکه آنها را تخریب کند یا نابود سازد.

حقوق اسلامی، ریشه در عمق زمان دارد و پهنه قلمرو آن در مکان نیز وسیع و نامحدود است. از لحاظ فرهنگ و تمدن نیز، آداب و رسوم اقوام و نژادهای مختلفی را زیر پوشش دارد، بدین جهت یادگیری آن مثل حقوق موضوعه بعضی از کشورها آسان نیست، بلکه تحصیل علم حقوق در مکتب اسلام نیاز به یادگیری علوم و فنون دیگری دارد. قرآن کریم به زبان عربی است و احادیث و روایات هم به همان زبان نقل شده و کتب فقهی و حقوقی به زبان عربی تدوین و تحریر شده است و از زبانهای دیگر بندرت استفاده گردیده است. بدون تسلط به زبان عربی، تسلط به حقوق اسلامی مشکل است و لازمه دانستن زبان

عربی، تحصیل علم صرف و نحو و لغت و معانی و بیان است. زبان عربی، بتهنایی برای رسیدن به هدف کافی نیست بلکه برای فهم حقوق اسلامی که پایه آن قرآن کریم و سنت و احادیث است؛ تحصیل فقه، اصول فقه، قواعد فقه، علم تفسیر، علم رجال، حکمت، منطوق و سایر علوم اسلامی لازم است. لذا حقوقدانان غربی برای درک روش و سیستم قانونگذاری اسلامی و روش تفسیر و اعمال احکام آن مشکلات زیادی خواهند داشت از قبیل مسائل مربوط به زبان، فرهنگ، روش تحصیل شریعت و قواعد آن. در حالیکه حقوقدانان اسلامی پس از رفع مشکل زبان به آسانی می‌توانند حقوق موضوعه سایر کشورها را مطالعه و بررسی نمایند و در درک مفاهیم آن به مشکلی برخورد نکنند. ولی درک و فهم حقوق اسلامی برای آنان سخت است. اگرچه ظاهر آبرای خود مسلمانان هم فهم و درک حقوق اسلامی کمی دشوار است، زیرا حقوق اسلامی پیچیدگی خاصی دارد و از لحاظ مطالب و مسائل قابل درک بسیار غنی است؛ نیز شریعت اسلام طبع خاصی دارد و غنای علوم دامنه یافته در طول قرن و آندی، موجب شده تا فراگیری همه زوایای آن کمی دشوارتر بنماید.

سال مبدأ:

سیستم حقوق فرانسه را ریشه دار، قدیمی و مترقی می‌دانند. در سال ۱۹۰۰ میلادی تحول عظیمی در حقوق کیفری فرانسه رخ داد و این تحول موجب شد که سال ۱۹۰۰ میلادی، را سال ولادت دوباره حقوق فرانسه بنامند. در این سال مقرراتی تنظیم شد که برابر آن «آزادی» اصل و «محسوس کردن» استثناء بر آن شمرده

شد. (۶)

در همان سال آیین‌نامه دیگری به تصویب رسید و قضات را به عدم توجه به گزارش پلیس و تحقیقات انجام شده، فراخواند و از آنان خواست که قضایای مطرح شده را شخصاً تحقیق نمایند. این اصالت آزادی فردی بر مبنای اصل برائت بود که سیزده قرن قبل از آن فقه و حقوق اسلامی بر مبنای آن عمل می‌کرد و این اصل از اعتبار خاصی برخوردار بود. در مورد اعتبار تحقیقات پلیس هم باید بگوییم که در سیستم قضایی اسلام فقط آن قسمت از اظهارات متهم مناط حکم است

آیات قرآن تغییرناپذیر و غیر قابل جایگزینی است و در انحصار گروه خاصی هم نیست بلکه از لحاظ زمان برای همیشه و از نظر مکان برای همه دنیا و همه مردمان است. چه آنان که قبل از ما در زمان حکومت دین اسلام می‌زیستند؛ چه آنان که اکنون زندگی می‌کنند و چه آنان که بسندها خواهند زیست...

که در محضر قاضی بیان شده باشد. در سال ۱۹۰۰ میلادی یک قاضی فرانسوی کتابی تحت عنوان گواهان دروغین تألیف کرد و در آن چنین نوشت: «باز پرس باید استقلال فوق‌العاده‌ای داشته باشد تا بتواند بیطرفانه درباره قضایا پژوهش نماید.» این قاضی فرانسوی در سال ۱۹۰۰ میلادی استقلال در قضاوت را آرزو می‌کرد در حالی که سیستم حقوق اسلامی ۱۳۰۰ قبل از آن، این استقلال را به قاضی داده بود و در هیچ سیستمی باین اندازه به قاضی اختیار و

صلاحیت داده نشده است.

در همان سال انسان و الانسی در تاریخ قضاوت فرانسه قدم خارق‌العاده‌ای برداشت. او رئیس دادگاه شاتویتری بود که مادری را که برای تغذیه فرزندش قرص نانی را دزدیده بود، تبرئه کرد. این رای که بشر دوستانه بود و سرشار از عاطفه توصیف شده بود اصل اضطراب را در حقوق فرانسه مطرح کرد ولی هنگامی که در پاریس یکی به این رای استناد کرد، رئیس دادگاه پاریس بالحنی تمسخرآمیز این رای را تحقیر کرد و به صادرکننده آن نیز ناسزا گفت. روزنامه جمهوری فرانسه بخاطر اجرای تاریخی ناخوش‌آیند قرص نان، قاضی دادگاه شاتویتری را مورد حمله قرارداد.

از سال ۱۹۰۰ به بعد برای محاکمه اطفال بزهکار در دادگاه‌های اختصاصی اطفال بوجود آمد و قضات ویژه‌ی برای رسیدگی به جرائم ارتكابی اطفال تعیین شدند. چشم‌انداز این تحول نشانگر آن بود که می‌خواهند اطفال را بخاطر ضعف و ناتوانیشان تحت حمایت خود قرار دهند، به عبارت دیگر تشکیل دادگاه ویژه برای شدت عمل نبوده بلکه بدان جهت بود که اطفال نیاز به حمایت، تربیت و کنترل داشتند. زنان نیز بعلت ضعف و ناتوانی از تخفیف ویژه‌ای برخوردار بودند. این تحولات برای حقوق کیفری فرانسه بسیار شکوهمند و پربها بود، در حالی که حقوق کیفری اسلام قرنهای متمادی این اصول را دارا بود. مسؤولیت کیفری صغیر و مجنون در حقوق اسلامی بحث ریشه‌دار و قدیمی است زمانی که در سیستم‌های حقوق غربی فرد بزهکار دیوانه را، شقه می‌کردند یا

این که می‌سوزانند و جسم او را محل حلول شیاطین می‌دانستند. اسلام او را از مسؤولیت مبرا می‌دانست و عقل و بلوغ و اختیار را از ارکان متشکله جرم قرار می‌داد. (۷)

### سایر ویژگیهای حقوق کیفری اسلامی

دفاع مشروع، تعدد جرم و تکرار جرم در حقوق کیفری اسلام جایگاه ویژه‌ای دارند. این مباحث از حقوق کشورهای دیگر اقتباس نشده است بلکه مسائلی اولیه و ریشه‌ای در فقه و حقوق اسلامی هستند. قواعد حاکم بر تعدد جرم<sup>(۸)</sup> و تکرار جرم شباهتی به قواعد در حقوق کشورهای دیگر ندارد و بسیار لطیف‌تر و دقیق‌تر بوده نکات ارزنده‌ای را شامل است، به عنوان مثال تکرار هر جرمی حکم خاصی دارد و به تنظیم قواعد کلی اکتفا نشده است.

اصل قانونی بودن جرم و مجازات قبل از هر سیستمی در سیستم کیفری اسلام با قاعده «حرمت عقاب بلا بیان» جلوه‌گر بوده است. اصل فردی کردن مجازات<sup>(۹)</sup> در حقوق کیفری، همیشه مورد عمل بوده است.

در تعزیرات، مجازات مقصر بنظر قاضی واگذار شده است، البته با رعایت شرایط و صفات قاضی، بنابراین قاضی می‌تواند با رعایت کیفیات مشدده و کیفیات مخففه به بهترین نحو، مجازات را با وضع خود مقصر تطبیق بدهد.

اصل شخصی کردن مجازات<sup>(۱۰)</sup> که از دست‌آوردهای تحول و تکامل حقوق کشورهای پیشرفته و صنعتی است چیزی بیشتر از آنچه حقوق اسلامی داشته، ندارد. آیه شریفه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»<sup>(۱۱)</sup> چهار بار در قرآن کریم تکرار شده است

اعلام می‌دارد که آثار ناخوش آیند مجازات باید متوجه خود مجرم باشد نه دیگران.

لحن کلام در آیه شریفه مطلق است. و جزای هر گناهی به پای مرتکب آن است، شخص دیگری بار گناه او را بر بار گناه خود

شکوه و عظمت حقوق اسلامی ناشی از معانی دین مسیبین است اسلام است

اضافه نخواهد کرد و جزای آن را نیز تحمل نخواهد کرد. هر کسی گناهی مرتکب نمی‌شود مگر کیفر آن برعهده خود او باشد. هر نفسی در گرو اعمال خود است. هر نفسی کار خیر انجام دهد نتیجه‌اش از آن اوست و کار زشت انجام دهد نتیجه‌اش وبال گردن اوست.

دفاع اجتماعی در حقوق کیفری مطلب بحث‌انگیز و جذابی است. دانشمندان

تقسیم‌بندی در حقوق اسلامی بر مبنای نوع مجازات است و شدت و تسهیل آن مدنظر نمی‌باشد. در حالی که در حقوق کشورهای غیر اسلامی این تقسیم‌بندی بر مبنای درجه شدت وضع جرم از تکایی است

حقوق، در مورد بزهکاری و علل آن و مجازات و اجرای آن، سخن زیاد گفته‌اند و نظریات گوناگون ارائه داده‌اند. گاهی علل بزهکاری را در شخص بزهکار و گاهی در روان او یافته‌اند و گاهی نیز در بطن جامعه دنبال علل بزهکاری رفته‌اند. گاهی اصالت خود را ارج نهاده‌اند و گاه دیگر از حریم

اجتماع دفاع کرده‌اند. مکتب دفاع اجتماعی ضمن قبول وضع ترحم‌انگیز شخص مجرم، با یک فکر منطقی و محاسبه عادلانه به این نتیجه رسیده است که بهر تقدیر جامعه برای دفاع از خود، حق دارد بنحو مقتضی با مجرم رفتار نماید. در حقوق اسلامی ضمن حفظ حرمت فرد، از جامعه بخوبی دفاع شده است. مجازات کسی که برای اخافه مردم تجرید سلاح می‌کند نمونه‌ای از آن است.

اصل مساوات در مجازات در حقوق اسلامی به شایستگی رعایت شده و کسی در عدل و نصفت حقوق اسلامی تردید نمی‌کند، در حالی که در حقوق جزای کشورهای غربی بعد از تحول و تکامل چشمگیر به آن رسیده‌اند.

اقرار و شهادت در حقوق موضوعه کشورهای غیر اسلامی نیز از ادله اثبات دعوی بشمار می‌روند ولی در حقوق اسلامی وضعیت و موقعیت خاصی دارند. مثلاً شهادت بطور مطلق ثابت کننده دعوی نیست بلکه به نسبت کیفیت و نوع اتهام یا دعوی تغییر پذیر است. به عبارت دیگر شهادت چهارمرد داریم، شهادت سه مرد و دو زن، شهادت دو مرد و دو زن، شهادت دو مرد، شهادت یک مرد و دو زن و شهادت چهار زن نیز، داریم. در صورتی که در حقوق موضوعه غربی چنین چیزی را مشاهده نخواهید کرد. از یک کتاب دو هزار و ششصد صفحه‌ای یک حقوق‌دان غربی فقط دوازده صفحه به بحث شهادت اختصاص دارد، ولی صاحب جواهر راجع به شهادت دویست و پنجاه صفحه مطلب نوشته است.

تقسیم‌بندی در حقوق اسلامی بر

مبنای نوع مجازات است و شدت و ضعف آن مدنظر نمی‌باشد. درحالی‌که در حقوق کشورهای غیر اسلامی این تقسیم‌بندی بر مبنای درجه شدت و ضعف جرم ارتكابی است.

قواعد تفصیلی.

۴- وضع احکام و مقرراتی که شرح و توصیف آن بر پایه وقایع عملی مستقر است.

در پایان اضافه می‌شود که مسلمانان، یک پنجم جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند و در نقاط مختلف پراکنده‌اند و روابط اجتماعی روز به روز پیچیده‌تر می‌شود لذا

حقوق اسلامی دوره درپیش روی خود

دارد:

الف- متکی به حقوق موضوعه کشورهای دیگر باشد و فقه اسلامی را ناتوان بداند.

ب- متوسل به اجتهاد شود و بر اساس شریعت جاوید، پویایی فقه اسلامی را در



در سیستم کیفری کشورهای غربی از علوم دیگر کمک می‌گیرند. در ریزه‌شناسی و بزه‌یابی از علوم زیست‌شناسی، ریاضیات، شیمی، روانشناسی،

روانپزشکی، جامعه‌شناسی، پزشکی قانونی، تن‌پیمایی جنایی و آمار و پلیس علمی بهره می‌گیرند و این نشانه پیشرفت و تکامل سیستم حقوقی آنان در قرن بیستم است. حالا به عقب بر می‌گردیم و نگاهی به قضاوت‌های امیرالمؤمنین علیه السلام در صدر اسلام می‌افکنیم. حضرت علی علیه السلام هنگام تحقیق از شرکاء جرم و شهود قضیه، فن و تکنیک خاصی به کار می‌بردند چنانچه منجر به کشف حقیقت می‌شد. او در قضاوت‌های خود از علم شیمی، روانشناسی، پزشکی، مسائل ژنتیکی، ریاضیات، زیست‌شناسی و روانکاوی استفاده می‌کرده است.

حقوق اسلامی شاخص‌های دیگری هم دارد که به تعدادی از آنها فهرست‌وار اشاره می‌شود:

۱- آزادی و تجویز در پذیرش مقررات مفید و ضروری که با قرآن و سنت تعارض ندارد.

۲- مشروعیت و قانونیت هر آنچه که ممنوع نیست (اصل حلیت).

۳- تمایل به وضع قواعد کلی و گاهی

۵- تطبیق قواعد با نیازمندی‌های جامعه و اوضاع و احوال در حال دگرگونی، مبارزه حقوق اسلامی برای ایجاد قواعد جهت حل مشکلات امروز و فرداست بدون آن که ارزش نظریات دیروزی را زیر پا بگذارد و بشکند.

۶- در قانونگذاری اسلامی و تفسیر قواعد و اصول آن چیزی وجود ندارد که مخالف حقوق طبیعی مورد بحث در حقوق موضوعه کشورهای دیگر جهان باشد.

۷- کاپیتالاسیون جایگاهی در حقوق اسلامی ندارد و تکلیف انسان‌های غیر مسلمان هم در سیستم حقوقی اسلام روشن است.

۸- قلمرو حقوق اسلامی محدودیت زمانی ندارد و برای همیشه است.

۹- قلمرو حقوق اسلامی محدودیت مکانی ندارد. برای همه جای دنیا و همه افراد بشر است.

۱۰- قوانین اسلام بر اساس سرشت، طبیعت و فطرت آدمی و نیازهای واقعی طرح‌ریزی شده است.

معروض دید حقوق‌دانان جهان قرار دهد.

پی نوشتها:

۱- جالب است که این کلام از استاد احمد مصطفی مراغی مفتی سنی مذهب است.

۲- آقای شریف بعثونی استاد دانشگاه دوپل شیکاگو، دبیرکل انجمن بین‌المللی حقوق جزا و رئیس مؤسسه مطالعات عالی علوم جنایی.

۳- الاستحسان برگشت از قاعده‌ای و تطبیق با قاعده معتبر دیگری با استدلال قضایی که انصراف از قاعده اولی را حمایت و توجیه نماید.

۴- الاستصلاح: حکمی است که سابقه نص صریح قرآنی و یا سنتی بر آن نداریم ولی منافع اجتماعی آن را ایجاب می‌کند، می‌شود گفت که الاستصلاح یک قیاس وسیعی است ولی ارکان قیاس را بطور کامل دارا نیست بلکه با استدلال بر ضرورت منافع اجتماعی توجیه می‌شود.

۵- العرف: عرف شبیه اجماع است ولی ارکان ضروری آن را ندارد لذا یک منبع جداگانه حقوق اسلامی تلقی می‌شود.

۶- اصل برائت.

۷- رفع قلم از صغیر و مجنون.

۸- در حقوق موضوعه غربی باستناد قاعده Non cumul de la peine در صورت تعدد جرم مجازات جمع نمی‌شوند ولی سیستم حقوقی ما قائل به تفصیل است.

۹- قاعده Individualite de la Peine از مفاخر حقوق موضوعه پیشرفته است.

۱۰- اصل Personalite de La Peine نیز مورد توجه حقوق موضوعه غربی است.

۱۱- عبارت «ولا تزر وازرة وزر اخری» در آیه‌های ۱۶۴ الانعام، ۱۵ الاسراء، ۱۸ الفاطر و ۳۸ النجم به تکرار آمده است.